

## الگوی تربیت اخلاقی فایده‌گرا با تأکید بر رفتارهای نامطلوب در دیدگاه میل (الگوی پیشگیرانه)<sup>۱</sup>

شهناز شهریاری نیسیانی<sup>۲</sup>، دکتر رضاعلی نوروزی<sup>۳</sup> و دکتر محمد مشکات<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف پژوهش تدوین الگوی پیشگیرانه تربیت اخلاقی فایده‌گرا با تأکید بر رفتارهای نامطلوب در دیدگاه میل است. روش به‌کاررفته، توصیفی-تحلیلی است. بنا بر نتایج حاصله، رفتارهای نامطلوب شامل رفتارهای خطا (ناقص حقوق و آسایش دیگران)، و ناخوشایند است که وجودشان با توجه به تصور فرد در وظایف قابل تبیین است. هدف تربیت اخلاقی، خوشبختی و تربیت اخلاقی در گستره موردنظر شامل ابعاد پیشگیری و مجازات است. مجازات به شکل مجازات قانونی و نکوهش به‌علت نقض حقوق و آشفته ساختن آسایش دیگران، و ازدست‌دادن حسن‌نظر و ارتباطشان به‌علت رفتارهای فاقد‌مناقت شخصی نمود می‌یابد. اما منظور از پیشگیری، پیشگیری اولیه است که اصول حاکم بر آن، عدالت و تدبیراند. حاکمیت عدالت مربوط به رفتارهای ناقص حقوق اما حاکمیت تدبیر، در پیشگیری از هر دو رفتار خطا و در معنای مراقبت از نفس و مراقبت از استدلال‌هاست. در رفتارهای ناخوشایند اصل حاکم همان تدبیر با معانی پیش‌گفته است، که این یافته‌ها تأییدی است بر عقیده میل که «بنیادهای زندگی اخلاقی در عصرجدید، عدالت و تدبیراند». راهبردهای پیشگیری به‌تناسب دو نوع رفتار نامطلوب، شامل تقویت وجدان و راهبردهای آگاهی‌بخش و بصیرت‌افزا هستند که پیوندشان با اصول، در الگوی پیشگیرانه مشخص شده است. بر اساس ارزیابی یافته‌های حاصل از پیشگیری، اگرچه لحاظ نمودن تنبیه‌های معقول برای رفتارهای خطا و توجه به عدالت و تدبیر در تبیین رفتارهای نامطلوب، از وجوه مثبت دیدگاه میل است، اما به عقاید وی در زمینه رفتارهای ناخوشایند نقد وارد است؛ زیرا مداخله‌ها و تنبیه‌های لحاظ شده برای این رفتارها ضمانت اجرایی لازم را ندارند تا به خود ضرر نزنند و دارندگان رفتارهای ناخوشایند را اصلاح کنند. هم‌چنین عقیده وی در مورد دین افراد نسبت به یکدیگر، فاقد پشتوانه اجرایی قوی برای عمل در رابطه با دارندگان این رفتارهاست، که رفع این ضعف‌ها، نیازمند تجدیدنظر در اصل ضرر میل و تصحیح و ترمیم برخی عقاید اوست.

واژگان کلیدی: میل، اخلاق فایده‌گرا، رفتارهای نامطلوب، تربیت اخلاقی، الگوی پیشگیرانه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۶

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان و عضو انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران؛  
shahriari329.phe@gmail.com

۳. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان و عضو انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (نویسنده مسئول)؛

r.norouzi@edu.ui.ac.ir

۴. دانشیار فلسفه دانشگاه اصفهان؛ m.meshkat@ltr.ui.ac.ir

## مقدمه

اخلاق عاملی مؤثر در ایجاد شخصیت سالم، حفظ انسانیت انسان، بهبود و رشد شخصیت اخلاقی او، شاهراه پیشگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی و تضمین کننده امنیت جامعه است. گذری کوتاه به وضعیت عمومی جوامع امروزی، نشان می‌دهد که بسیاری از این جوامع با مسائل و معضلات اخلاقی دست‌به‌گریبانند، به‌گونه‌ای که این امر وضعیت نگران‌کننده‌ای را برای خانواده، دولت و مسئولین به‌وجود آورده و تلاش برای رفع و محدودسازی این ناملايمات به یکی از دغدغه‌های اصلی آن‌ها تبدیل شده است. وجود تدابیر متعدد پیشنهادشده چون «تأکید بر لزوم درگیرشدن جامعه، کلیسا و سازمان‌های غیردولتی در اصلاح کودکان، تربیت صحیح کودکان با دستورالعمل‌های اخلاقی بی‌نقص، راه‌اندازی قوانین نظارتی» (جورج و یوکپنگ،<sup>۱</sup> ۲۰۱۳) و هم‌چنین «توجه به نقش کشیش در ارتقای ارزش‌های اخلاقی، جهت‌گیری مجدد اخلاقی و تأکید بر عدالت در جامعه به‌عنوان پادزهر انحطاط اخلاقی» (آته و دیگران،<sup>۲</sup> ۲۰۱۵) همگی حاکی از وجود این معضلات در جوامع حاضر است. از آن جایی که این مسائل و معضلات اخلاقی پدیده‌هایی فراگیر هستند، جامعه ما نیز از تیررس نابهنجاری‌های اخلاقی در امان نیست و این مسائل به اشکال مختلف در آن بروز می‌یابند. بنابراین در کنار مواجهه و برخورد مناسب با این معضلات، جلوگیری از بروز و وقوع‌شان اقدامی ضروری است که تحقق آن نیازمند تدابیر و راهکارهای دقیق و حساب‌شده است.

نظربه‌این‌که نگاه فلاسفه به پدیده‌ها، نگاهی موشکافانه و عمیق است، می‌توان از جمله راه‌های دستیابی به این تدابیر را روی آوردن به دیدگاه‌های فلسفی‌ای دانست که دغدغه چنین مسائل و معضلاتی را داشته‌اند.

اخلاق فایده‌گرایی جان استوارت میل<sup>۳</sup> (۱۸۷۳ - ۱۸۰۶ م) به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های اخلاقی پی‌آمدگرا که فایده را در تمام مسائل اخلاقی مقصد نهایی به‌شمار می‌آورد (میل، ۱۳۸۵، ص: ۴۶)، حاصل نگاه منتقدانه وی به فایده‌گرایی جرمی بنتام<sup>۴</sup> و تجدیدنظرهایش در این دیدگاه

1. George &amp; Ukpong

2. Ottuh &amp; et al

3. John Stuart Mill

4. Jeremy Bentham

است. میل درعین‌این‌که فیلسوفی فایده‌گراست، به دلیل گرایش‌ات لیبرالیستی‌اش (مک‌لود،<sup>۱</sup> ۲۰۱۷؛ ریان،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴) اندیشمندی لیبرال‌مسلك نیز هست، از این رو فایده‌گرایی او یک فایده‌گرایی لیبرال است که به دلیل ماهیت کاربردی‌اش در جلوگیری از بروز بسیاری از معضلات موجود مؤثر است.

در نتیجه از آن‌جایی‌که میل در اخلاق فایده‌گرایش بر ارتقای منافع عمومی تأکید دارد (میل، ۱۳۸۸، ص: ۶۴) و از سویی مهم‌ترین کار انسان در میان کارهای او را تربیت و تکامل خود انسان می‌داند و محدوده آزادی‌های فردی را تا جایی مجاز می‌داند که موجب زیان دیگران نشود (میل، ۱۳۸۵، صص: ۱۵۴ و ۱۴۷)، هم‌چنین با نظریه‌این‌که وی بر این عقیده است که: «آن دسته از قواعد اخلاقی که هر کسی را از آزردن شدن از دیگری محافظت می‌کند، همان‌هایی است که آدمی بیشترین احساس مساعد قلبی را نسبت به آن دارد و بیشترین منافع را در این دارد که با قول و فعل آن را تحکیم نموده و رواج دهد» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۵۴)، می‌توان اذعان داشت که این موارد در دیدگاه اخلاقی او مباحثی هستند که به خوبی بحث از رفتارهای نامطلوب و راهبردهای عرضه‌شده برای پیشگیری اولیه<sup>۳</sup> را تبیین می‌کند و می‌تواند راه‌گشای ما برای پیشگیری از وقوع بسیاری از معضلات اخلاقی‌ای باشد که جامعه ما و دیگر جوامع با آن‌ها مواجه‌اند.

البته شاید در بادی امر کارایی این دیدگاه غربی برای جامعه ما که جامعه‌ای با ویژگی‌های خاص فرهنگی خود است، انکار شود و یا این‌که به دیده تردید نگریسته شود، اما نباید از این غافل بود که در عصر حاضر که برخلاف گذشته، آرا و اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی غرب، در کنار دیگر اندیشه‌های غربی به سهولت وارد فضای فکری و فرهنگی ایران و دیگر کشورها می‌شود، نگرش منطقی در برخورد با این دیدگاه‌ها و افکار، صرف‌نظر از تعلقشان به هر دوره تاریخی، بهره‌گیری از نقاط قوت و ویژگی‌های مثبت موجود در آن‌هاست. با نظریه این‌مهم، و از آن جایی که «در هر نظام و مکتبی به تناسب مبانی نظریه‌ها و تعاریفی که برای جرم‌وبزه‌کاری ارائه می‌شود، راهکارهای پیشگیری نیز متفاوت است» (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴، ص: ۴۴)، به نظر می‌رسد که روی آوردن به دیدگاه اخلاقی میل و استخراج و استنباط

1. Macleod

2. Ryan

3. primary prevention

راهبردهای پیشگیری موجود در آن با توجه به خصایص مثبتی که از این دیدگاه بیان گردید، بتواند سهم بسزایی در دستیابی به بینشی نسبی در خصوص رفتارهای نامطلوب و راهبردهای پیشگیری از آن برای جامعه ما نیز داشته باشد. البته «شرط اول موفقیت برنامه‌های اقتباس‌شده از جوامع دیگر، و در اینجا راهبردهای پیشگیری اولیه حاصل از دیدگاه میل، بومی‌سازی و انطباق آن‌ها با امکانات و ویژگی‌های جامعه خودی است.» (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص: ۷۱) به نحوی که با ارزش‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی هم سو و هماهنگ باشد.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده بر روی دیدگاه اندیشمندان و فلاسفه غربی صاحب‌نظر در حوزه رفتارهای نامطلوب، حاکی از آن است که آن نوع از پیشگیری که در بررسی دیدگاه این اندیشمندان به آن توجه شده است، پیشگیری واکنشی خاص و عام است، و توجه به نقش و اهمیت پیشگیری کنشی اولیه که مورد بحث پژوهش حاضر است، مغفول است.<sup>۱</sup>

بروکز<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که هگل<sup>۳</sup> یک نظریه یکپارچه از تنبیه و مجازات را فراهم آورده که علاوه بر دربرداشتن جنبه سزادهی، با بازدارندگی و اصلاح مجرم نیز در پی پیشگیری از ارتکاب جرم از سوی اوست. جوان جعفری و ساداتی (۱۳۹۰) در بحث از دیدگاه هگل، بیان کردند که آثار ارعایی و اصلاحی مجازات، شاخصه‌های تعیین‌کننده کیفر هستند که از دید هگل منجر به کاهش جرم می‌شوند. پرادل<sup>۴</sup> (۱۳۸۸) در

۱. پیشگیری واکنشی یا کیفری (Penal Prevention)، پیشگیری بعد از ارتکاب رفتار نامطلوب، و پیشگیری کنشی یا غیرکیفری (Non Penal Prevention)، پیشگیری قبل از ارتکاب رفتار نامطلوب است. در پیشگیری واکنشی یا کیفری خاص، هدف جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرم و اصلاح آن هاست که از طریق مجازات، تربیت و اصلاح و بازسازی صورت می‌گیرد، اما در پیشگیری واکنشی عام، با وضع قوانین، تعیین کیفر و اجرای آن در مورد مجرم، از ارتکاب اولیه جرایم توسط دیگر افراد جامعه جلوگیری می‌شود. در واقع محور این پیشگیری بر نقش بازدارندگی، رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی کیفری عموم مردم استوار است. اما پیشگیری کنشی یا غیرکیفری اولیه (Primary Non Penal Prevention) مشتمل بر اقداماتی جهت از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مجرمانه و یا جلوگیری از به‌وجود آمدن این فرصت‌هاست و متوجه بهبود وضعیت زندگی و تولید ارزش‌هایی است که روابط سالم را بهبود می‌بخشد (قاضی، ۱۳۸۷، ص: ۱۱۲؛ خسروشاهی، ۱۳۸۲، ص: ۵۹). البته در فرهنگ اسلامی نخست بر پیشگیری اولیه تأکید می‌شود، که براساس هدایت کردن و آگاهی دادن به افراد جامعه صورت می‌گیرد تا مرتکب بزه و جرم نشوند، اما اگر این امر در مورد برخی موثر واقع نشد، قطعاً از روش‌هایی مانند مجازات‌های اسلامی نظیر اجرای حد و قصاص و تعزیرات استفاده می‌شود و برای اداره جامعه هر دو نوع پیشگیری (کنشی و واکنشی) لازم است.

2. Brooks

3. Hegel

4. Pradel

اثرش ضمن بیان این‌که افلاطون<sup>۱</sup> از نخستین قائلان به اصلاح مجرم و عبرت‌آموز بودن مجازات است، و هابز<sup>۲</sup> به مجازات تنها از منظر اثر آن در آینده و سودمندی عمومی توجه دارد، از نقش پیشگیری و بازدارندگی عام‌وخاص مجازات نزد بکاریا<sup>۳</sup> و بنتام سخن می‌گوید. در واقع پیشگیری کنشی اولیه در غرب نه بر اساس دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان، بلکه بیشتر در قالب پژوهش‌هایی شبیه آنچه که جورج و یوکپنگ و آته انجام داده‌اند، مطرح شده است. این پژوهش به راهبردهای پیشگیری اولیه و تدابیر و سازوکارهای پیشگیرانه در نظر گرفته‌شده از سوی نهادها نیز پرداخته است؛ تدابیر پیشنهادی از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مبنی بر لزوم توجه به ارزش‌های اخلاقی در کنار توجه به تعلیم و تربیت، فرهنگ و ارزش‌های دینی و مدنی به‌عنوان یک عامل مرتبط با پیشگیری از جرم (اداره جرم و مواد مخدر ایالات متحده<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، یا اصول پیشنهادشده از سوی اداره دادرسی ویژه پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان ایالات متحده<sup>۵</sup> مبنی بر تأکید بر تقویت نهاد خانواده در انجام مسئولیت اولیه خود برای القای تدریجی ارزش‌های اخلاقی و ارائه راهنمایی و حمایت از فرزندان (گرین و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ هاول<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹) از این دست هستند.

اما بررسی پژوهش‌های داخلی بیان‌گر این است که این پژوهش‌ها علاوه‌براین‌که به بحث از پیشگیری اولیه از منظرهای متفاوتی هم چون تأکید بر قرآن و آموزه‌های اسلامی (پرتوی، ۱۳۹۸؛ توسلی و صادقی، ۱۳۹۴)، تأکید بر نقش رسانه جمعی، پلیس و شهروندان (عشایری و نامیان، ۱۳۹۸)، تأکید بر نقش خانواده از حیث ایجاد محیطی سالم و تأمین انواع نیازها (محمودی، ۱۳۹۷؛ پورمولا و دیگران، ۱۳۹۶)، و توجه به نقش فرهنگ (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶) پرداخته‌اند، به بررسی این مهم از منظر اندیشمندان نیز توجه داشته‌اند و ضمن تبیین موضوع پژوهش خود از عقاید آن‌ها نیز بهره‌گرفته‌اند. چنان‌که جعفری‌فرد و حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۹۶) با بررسی دیدگاه علامه (ره) در خصوص جرم و پیشگیری از آن، به این نتایج دست

- 
1. Plato
  2. Hobbes
  3. Beccaria
  4. United Nations Office on Drugs and Crime
  5. OJJDP
  6. Green & et al
  7. Howell

یافتند که مهم‌ترین راه پیشگیری از جرم از دید علامه، اخلاق فاضله انسانی متکی بر توحید است. ابراهیم‌پور لیالستانی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود، تربیت صحیح و وجود نظامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صحیح را راهبردهای پیشگیری اولیه از دیدگاه شهید مطهری می‌داند.

در خصوص دیدگاه فایده‌گرایانه میل که موضوع پژوهش حاضر است، هر چند برخی پژوهش‌ها مبین نقش تعلیم و تربیت و پرورش نفس به‌منظور ایجاد و پرورش اخلاقیات و فضیلت هستند (دی اِگزیم، ۲۰۱۸ الف)، اما پژوهش مستقلی در حوزه پیشگیری اولیه با تأکید بر رفتارهای نامطلوب صورت نگرفته و مباحث مطرح‌شده در زمینه رفتارهای نامطلوب از دیدگاه میل، در پژوهش‌ها بسیار کلی و گاه به منظور تبیین و اثبات مباحث دیگر مورد توجه قرار گرفته است. رایت<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) طی پژوهشی با توجه به اظهارات میل در حوزه مجازات به اثبات این امر پرداخته است که نظریه فایده‌گرایی میل، که در نهایت آن را تأیید می‌کند، نه فایده‌گرایی عمل‌نگر<sup>۲</sup> یا قاعده‌نگر<sup>۳</sup> بلکه یک فایده‌گرایی قانونی<sup>۴</sup> است. اسوان<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود به تبیین این مطلب می‌پردازد که میل قائل به نوعی رابطه مفهومی بین خطای اخلاقی و تنبیه و مجازات، و بین وظیفه و مطالبه است که پیوند موجود بین اخلاقیات و قابلیت مجازات را با توسل به تمایزی که استروس<sup>۶</sup> بین «قلمرو علم اخلاق» و «قلمرو اخلاقی» قائل است، حفظ می‌کند.

معضل عصر حاضر، توجه بسیاری از مردم به حقوق خود، بدون تصدیق و اعتراف به داشتن وظیفه‌ای برای محافظت از حقوق دیگران، و نیز افزایش نقض حقوق‌های صورت‌گرفته از سوی دولت‌ها در محافظت از حقوق افراد در سراسر جهان است؛ این معضل سازمان ملل و دیگر ارگان‌های جامعه جهانی را به سمت تمرکز بیشتر بر روی وظایف در قبال حقوق هدایت کرده است. نظربه‌این‌که در پژوهش‌های مذکور، بحث از پیشگیری اولیه با توجه به رفتارهای نامطلوب ناشی از قصور فرد در وظایفش در قبال خود و دیگران مغفول است، روی

1. Wright

2. Act Utilitarianism

3. Rule Utilitarianism

4. Sanction Utilitarianism

5. Swan

6. Strauss

آوردن به دیدگاه اخلاقی میل می‌تواند تلاشی در جهت رفع یا کاهش این معضل باشد؛ زیرا میل مستقیماً با توجه به این قصور به تبیین رفتارهای نامطلوب می‌پردازد و راهبردهای پیشگیری اولیه منتج از دیدگاهش فرد را نسبت به انجام این وظایف مقید یا ترغیب می‌کنند و در انجام بهتر آن‌ها به افراد کمک می‌کنند. (ساستری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، صص: ۲۴-۲۵)

بنا بر آن چه گذشت و با توجه به کاستی‌های پژوهش‌های انجام شده، پژوهش حاضر پس از بیان روش پژوهش و نظریه اخلاقی میل، با توجه به هدف اصلی‌اش که تدوین الگوی پیشگیرانه تربیت اخلاقی فایده‌گرا با تأکید بر رفتارهای نامطلوب در دیدگاه میل است، پاسخگویی به سه پرسش را وجهه همت خود قرار می‌دهد: (۱) رفتارهای نامطلوب در دیدگاه میل شامل چه رفتارهایی می‌شوند؟ (۲) ابعاد تربیت اخلاقی در گستره رفتارهای نامطلوب کدام‌اند؟ (۳) به منظور پیشگیری اولیه از رفتارهای نامطلوب چه راهبردهایی را می‌توان شناسایی کرد؟

### روش پژوهش

رویکرد حاکم بر این پژوهش، رویکرد کیفی، و روش پژوهش به‌کاررفته، روش توصیفی - تحلیلی است. توصیفی است، به این دلیل که هدف محقق از انجام این نوع پژوهش توصیف عینی، واقعی و منظم یک موضوع (فرهنگی و صفرزاده، ۱۳۸۵، ص: ۲۷۵) یعنی اخلاق فایده‌گرای میل با محوریت رفتارهای نامطلوب است، و تحلیلی است، به این دلیل که به تجزیه و تحلیل این دیدگاه اخلاقی با محوریت رفتارهای نامطلوب می‌پردازد تا راهبردهایی جهت پیشگیری اولیه از این رفتارها به‌دست‌آید. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات، از بین چهار روش مطرح شده توسط مارشال و راسمن<sup>۲</sup> برای گردآوری اطلاعات در تحقیقات کیفی، از شیوه بررسی اسناد و مدارک استفاده شده است. استفاده از سند مستلزم به‌کارگیری روشی خاص است که آن را تحلیل محتوا می‌نامند (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷، صص: ۱۱۸-۱۱۹). تحلیل محتوای اسناد شامل سه مرحله است:

1. Sastry

2. Marshal & Rasman

۱- تحلیل ابتدائی: این مرحله شامل چهار فعالیت قرائت آزاد یعنی شناخت اسناد و مدارکی که باید تحلیل شوند، انتخاب آن اسناد و مدارک، تنظیم سؤالات، فرضیات و اهداف پژوهش، و تهیه مواد قبل از شروع تحلیل اصلی است (باردن<sup>۱</sup>، ۱۳۷۵، ص: ۱۰۷).

۲- انتخاب واحد تحلیل و مقوله‌بندی: در این مرحله با توجه به هدف و سؤالات پژوهش، جنبه‌هایی از محتوا که باید تحلیل شوند (کلمه، جمله، پاراگراف، مضمون، کاراکتر، شخصیت و...) و به عبارتی نوع واحد تحلیل مشخص می‌شوند و مقوله یا طبقاتی که باید به صورت اطلاعات گردآوری شوند، تعیین می‌شوند.

۳- تحلیل و استنباط نتایج و گزارش: در این مرحله پژوهش‌گر به تحلیل اطلاعات موجود در طبقات پرداخته و بین طبقات در رفت‌وآمد است تا تحلیل و تفسیرهای وی جرح و تعدیل شود و بدین طریق رابطه مفاهیم را با یک دیگر مشخص، و بر اساس آن معنا و دلالت‌های جدیدی را استنباط و استخراج می‌کند، در نهایت به ارائه گزارش می‌پردازد (مومنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲، صص: ۲۰۱، ۲۰۳-۲۰۶، ۲۱۳-۲۱۴).

در پژوهش حاضر با به‌کارگیری تحلیل محتوا، ابتدا با مطالعه آثار میل و آثار موجود در زمینه دیدگاه وی، منابع مرتبط با موضوع پژوهش مشخص شدند و با در نظر گرفتن هدف پژوهش، سؤالات پژوهش تنظیم شد و مطالعه منابع آغاز شد. در مرحله بعد با توجه به هدف و سؤالات پژوهش و بر اساس اطلاعات موجود در مضمون محتوا که واحد تحلیل پژوهش حاضر است، طبقات و زیرطبقات (رفتارهای نامطلوب: رفتارهای ناخوشایند و رفتارهای خطا، پیشگیری) مشخص و فیش‌برداری شدند. در مرحله آخر، با تحلیل اطلاعات موجود در طبقات و رفت‌وآمد بین طبقات و پیوند دادن جزئیات‌ها به گزاره‌های کلی، روابط منطقی موجود بین مفاهیم مشخص، و بر اساس آن به استنباط نتایج یعنی همان راهبردهای پیشگیری اولیه از رفتارهای ناخوشایند و راهبردهای پیشگیری اولیه از رفتارهای خطا پرداخته شد.

### نظریه اخلاق فایده‌گرا

اخلاق فایده‌گرا آن‌گونه که میل به آن معتقد است، «مرام و مسلکی است که فایده یا اصل بیشترین خوشبختی را به‌عنوان مبنای اخلاقیات می‌پذیرد، و بر این باور است که اعمال



درست‌اند، به تناسبی که به افزایش خوشبختی گرایش دارند، و نادرستند به تناسبی که به افزایش ناخوشبختی گرایش دارند که منظور از خوشبختی، لذت و نبود رنج و منظور از ناخوشبختی، رنج و محرومیت از لذت است.» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۵۷) بنابراین در این دیدگاه درستی و نادرستی یک عمل با توجه به میزان تأثیرش در افزایش خوشایندی یا کاهش ناخوشایندی تعیین می‌شود. میل متأثر از مکتب روان‌شناسی تداعی‌گرا<sup>۱</sup> است و اعمال و احساسات آدمی در وضع اجتماعی را به‌طورکلی تابع قوانین روان‌شناسی و اتولوژی<sup>۲</sup> می‌داند (میل، ۱۹۱۱، ص: ۵۸۴) و با مدنظر قرار دادن قانون تداعی و در مخالفت با ذات‌گرایان<sup>۳</sup> که معتقد به وجود ویژگی‌های فطری در فرد هستند، کاربرد اصطلاح «اکتسابی» را برای معرفی کلی ساختارهای اخلاقی و روحی بشر مناسب می‌بیند (میل، ۱۹۷۱: ۳۹۸). وی اگر چه اخلاقیات را فطری نمی‌داند، که قابل نقد است، اما این بدان معنی نیست که آن‌ها را طبیعی نداند. چنان که بیان می‌دارد «قوه و احساسات اخلاقی هم چون دیگر توانایی‌های اکتسابی، اگرچه بخشی از طبیعت ما نیست، اما شاخه‌ای است که از آن روییده است» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۰). بنابراین اگرچه از دید میل احساسات اخلاقی ریشه در طبیعت آدمی دارند، اما خود صفت و رفتار و به عبارتی ملکات نفسانی ذاتی نیستند.

الزام اخلاقی این دیدگاه شامل هردونوع الزام درونی و بیرونی است (میل، ۱۳۸۸، ص: ۹۵). نگاهی به دیدگاه میل مشخص می‌سازد که میل به رد کامل الزامات دیگر نظام‌های اخلاقی نمی‌پردازد، بلکه در کنار الزام ویژه دیدگاه خود، سهمی هم برای آن‌ها قائل است. مثلاً وی در دیدگاهش منکر نگرش اخلاقی کانت<sup>۴</sup> مبنی بر «انجام عمل از سر احساس وظیفه» نیست و آن را برخوردار از ارزش والایی می‌داند، اما معتقد است که این انگیزه نمود گسترده‌ای در بین افراد ندارد؛ لذا نمی‌تواند یگانه امر مقبول در یک نظام اخلاقی باشد. چنان که می‌گوید: «اصل معهود وظیفه از برای وظیفه، حقیقتی در عالم انتزاع است که فقط برای کسانی که از مرتبه نسبتاً رفیعی از پروردگی برخوردارند، امکان‌پذیر خواهد بود» (میل، ۱۳۸۹، ص: ۲۱۳). میل ریشه الزام اخلاق فایده‌گرا را احساسات وظیفه‌شناسانه بشریت می‌داند؛ یعنی همان

1. The Associationist School of Psychology

2. Ethology

3. Essentialists

4. Kant

چیزی که ریشه الزام تمامی معیارهای اخلاقی دیگر است، و قدرت الزام‌آوردگی این ریشه نزد وی، در ترکیبی از احساسات است؛ احساساتی از قبیل مهر، عشق، و بیش از همه این‌ها از ترس و نیز از احساس مذهبی در تمامی اشکال آن و ... مایه می‌گیرد (مک لود و میلر،<sup>۱</sup> ۲۰۱۶، ص: ۳۴۲). این احساس وظیفه در دیدگاه میل، همان احساسات دیگرخواهانه اجتماعی است و برهمین اساس میل الزام بنیادین دیدگاه اخلاقی خود را که دیدگاهی است در پی خوشبختی همه، «اعتقاد راسخ دارندگان احساسات دیگرخواهانه اجتماعی، مبنی بر این‌که اگر فاقد این احساسات باشند، برایشان خوب نیست»، دانسته است (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۶). باتوجه به این‌که میل در دیدگاهش بر این عقیده است که «هر چیزی که موضوع میل و خواهش ماست یا وسیله‌ای است به سوی اهدافی به جز خودش، و نهایتاً به سوی شادی و خوشی، و یا از این جهت مطلوبیت دارد که قسمتی از شادی و خوشی است» (میل، ۱۳۸۸، صص: ۱۱۴-۱۱۵)، می‌توان بیان داشت که تبیین تربیت اخلاقی در گستره رفتارهای نامطلوب که در آن از راهبردهای پیشگیری اولیه از رفتارهای نامطلوب سخن به میان می‌آید، در راستای همان شادکامی مورد تأکید میل است.

### گستره رفتارهای نامطلوب در فایده‌گرایی میل

میل در فایده‌گرایی خود از دونوع رفتار نامطلوب یعنی رفتارهای خطا<sup>۲</sup> و رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت<sup>۳</sup> سخن می‌گوید. چنان‌که معتقد است «گاهی رفتاری را خطا می‌خوانیم و گاهی به جای آن کلمات دیگری مثل خوش‌نیامدن یا بی‌خاصیت‌شمردن را به‌کار می‌بریم، انتخاب ما بسته به این است که شخص به دلیل انجام آن رفتار باید کیفر شود یا نه» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۶).<sup>۴</sup>

1. Macleod & Miller

2. Wrong Conducts

3. Unpleasant & Discredit Conducts

۴. در این پژوهش از رفتارهایی که حداقل دو اصل آزادی و ضرر قرار گرفته‌اند، سخن به میان نمی‌آید؛ یعنی مواردی از قبیل راه‌اندازی قمارخانه‌ها، تولید و فروش مشروبات الکلی و ... (میل، ۱۳۸۵، صص: ۲۴۹-۲۵۲) که همه موارد ذکر شده در فرهنگ ما مضر و نامشروع هستند.

## رفتارهای خطا (رفتارهای ناقض حقوق و آسایش دیگران)

در دیدگاه میل، آن قسم از رفتارهای نامطلوبی که خود فرد با تعبیر «رفتارهای خطا» از آن یاد می‌کند، رفتاری است که فرد مرتکب به آن، باید از طریق قانون یا برخوردهای توأم با نکوهش و سرزنش مجازات شود. اصل ضرر<sup>۱</sup> بیان می‌دارد که: «تنها هدف موجهی که به پاس تأمین آن می‌توان بره‌ریک از افراد جامعه متمدن حتی خلاف اراده او اعمال قدرت کرد، این است که مانع از زیان زدن به دیگران شود، و مصالح شخصی آن فرد (جسمانی یا اخلاقی) دلیل کافی برای مداخله کردن دیگران در کارش نیست.» (میل، ۱۳۸۵، ص: ۴۳) میل بر اساس اصل ضرر، تنبیه و مجازات‌های قانونی و برخوردهای اجتماعی توأم با نکوهش را در صورتی مجاز می‌داند که عمل صورت گرفته به گونه‌ای باشد که به دیگران زیان بزند (میل، ۱۳۸۵، ص: ۴۵)؛ بنابراین مشخص می‌شود که رفتار خطا در نزد میل رفتاری است که موجب ضرر به دیگران گردد. بررسی دیدگاه میل نشان می‌دهد که عملی موجب ضرر به دیگران و در واقع خطا محسوب می‌شود که منجر به آشفتن ساختن آسایش و تضییع حقوق دیگران گردد؛ یعنی، چنان که در ادامه بیان می‌شود، میل وجود خطا را ناشی از قصور فرد در وظایفی که در قبال دیگران دارد، می‌داند؛ زیرا «وظیفه است که به‌عنوان یک ارزش اصلی برای تنظیم اخلاق، رفتار اخلاقی و اجتماعی افراد در نظر گرفته می‌شود و عمل به آن به تحقق ضمانت‌های حقوق بشر در ارتقای زندگی، آزادی و برابری کمک می‌کند.» (ساستری، ۲۰۱۱، ص: ۲۴)

در دیدگاه میل قصور فرد در وظایفش در قبال دیگران به سه شکل نمود می‌یابد:

**الف) هنگامی که فرد با انجام کاری در عمل به وظیفه‌ای که در قبال دیگران دارد، قصور ورزد.**

در این حالت قصور یا نقض وظیفه در قبال دیگران هنگامی رخ می‌دهد که فردی به علت رفتاری که تنها به خودش مربوط است، یا از انجام وظیفه‌ای که در نتیجه شغلش به جامعه مدیون است، کوتاهی کند؛ مانند سربازی که در حین انجام وظیفه مست کرده باشد، یا این‌که سوای از شغلش از رعایت وظیفه‌اش در برابر احساسات و منافع دیگران قصور ورزد، آن هم بدون این‌که تقدم یک وظیفه مهم‌تر باعث این قصور شده باشد، هم چون خرید سهام به جای صرف منابع عایدی برای پرداخت هزینه‌های زندگی و تعلیم و تربیت فرزندان،

که موجب نقض حقوق آنها می‌شود. نمونه دیگری که میل ذکر می‌کند، شامل اعمال و رفتار ناعادلانه است که در این موارد نیز قضیه از قلمرو اعمال مجاز شخص خارج شده و مشمول تخطئه اخلاقی به معنای واقعی این کلمه می‌گردد (میل، ۱۳۸۵، صص: ۲۰۶-۲۰۷، ۲۰۹)؛ یعنی اموری از قبیل محروم کردن کسی از مال خود، اقدام به تجاوز و تهاجم ناموجه علیه کسی (میل، ۱۳۸۸، صص: ۱۳۷ و ۱۵۴).

**ب) هنگامی که فرد با انجام ندادن کاری، در عمل به وظیفه‌ای که در قبال دیگران دارد، قصور ورزد.** از منظر میل در تمام مواردی که انجام عملی، وظیفه آشکار یک فرد انسانی است، جامعه حق دارد به علت انجام ندادن آن عمل از او بازخواست کند؛ زیرا چنین فردی ممکن است با انجام ندادن کاری باعث خسارت به دیگران شود. مواردی که میل در این زمینه ذکر می‌کند، شامل گواهی دادن در دادگستری، دخالت برای محافظت از کسی که بی‌دفاع است و با او رفتار خشنی صورت گرفته است و ... می‌باشد. اگرچه برای میل، مسئول دانستن شخصی به این دلیل که به دیگران ضرر زده، قاعده کلی است، و مسئول قراردادنش به دلیل این که مانع از ضرر خوردن به دیگران شده، استثنای این قاعده را تشکیل می‌دهد، اما با این حال معتقد است که موارد زیادی هستند که در آنها به علت وخامت موضوع، سخت‌گیری درباره مستثنیات موجه است (میل، ۱۳۸۵، صص: ۴۷-۴۸).

لازم به ذکر است که آنچه میل درباره این مستثنیات می‌گوید، ممکن است از طریق اعمال و رفتاری انجام شود که در شرایط عادی درست و اخلاقی نباشد. مثلاً میل در عبارتی بیان می‌دارد: «نجات جان کسی فقط یک امر مجاز نیست، این یک وظیفه است که غذا یا داروی لازم را بدزدیم و یا پزشکی را وقتی تنها عنصر کارآمد طبابت است، بریابیم و وادارش کنیم که وظیفه خود را انجام دهد» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۶۰). در واقع از دید میل، حفظ حق حیات به عنوان نخستین حق طبیعی هر انسانی که سایر حقوق در سایه آن معنا می‌یابد، امری است الزامی، که حتی در شرایط ویژه هم چون زمان قحطی نیز باید برای آن تلاش کرد، هرچند که انجام این کار با اقدامات نادرستی چون سرقت ممکن باشد. بر همین اساس است که میل در عبارتی دیگر بیان می‌کند: «هرآنچه که در شرایط عادی عادلانه است، ممکن است در شرایط ویژه به دلیل تعارض با آن اصل اخلاقی دیگر (اصل فضیلت)، عادلانه نباشد» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۶۰). که البته محل تأمل است.

همچنین نظریه‌ای که اقدام به دزدی در این شرایط، موجب نقض حقوق کسانی می‌شود که از آنها دزدی شده است، هرچند که میل با قصور در وظیفه فرد در برابر دیگران در جایی که

وظیفه‌ای مهم‌تر وجود داشته باشد، مخالفتی ندارد، اما با توجه به اهمیت مراعات حقوق دیگران نزد او و به عبارتی عدم اضرار به غیر، چنین فعلی در هر صورت ناعادلانه بوده، و از این رو معلوم می‌شد که عمل دزدی در شرایط ویژه باید به قدر ضرورت انجام گیرد.

ج) هنگامی که قصور فرد در وظیفه‌اش در قبال خود، همان وظیفه‌ای باشد که در قبال دیگران دارد. از دید میل، «اصطلاح وظیفه انسان در قبال خود، مضمونش این است که انسان حق دارد به شخصیت خود احترام بگذارد یا این که خود را خوب تربیت کند. انسان‌ها نمی‌توانند هیچ‌کس را به علت قصور در این دو کار بازخواست کنند؛ چون که مصلحت بشر در این نیست که از این دو حیث بازخواست شود، و از نظرگاه اجتماعی نیز این وظیفه به هیچ‌وجه جنبه اجبار ندارد، مگر این‌که، اوضاع و احوال طوری باشد که همان وظیفه را وظیفه‌ای در قبال دیگران سازد. هم چون عادت‌های بد پدر خانواده‌ای که موجب رنجش خانواده‌اش شده و آسایش آن‌ها را آشفته ساخته است» (میل، ۱۳۸۵، ص: ۲۰۱ و ۲۰۷).

میل با این بیان خود به آزادی منفی<sup>۱</sup> بها می‌دهد. «این آزادی ناظر به حوزه آزادی‌های شخصی افراد است، محدوده‌ای که در آن فرد از نظارت و تسلط قانون یا هرگونه اصول کلی دیگر برکنار است» (جهانبگلو، ۱۳۸۷، ص: ۷۳). اما آزادی منفی چنان چه بی‌رویه باشد، پی‌آمدی جز بیدادگری، تعرض به حقوق دیگران و آنارشیزم<sup>۲</sup> به دنبال نخواهد داشت و چنین امری نه آزادی، بلکه تنها نامی از آزادی است، بنابراین نوعی نظارت و محدودسازی درباره آزادی لازم است. این تحدید و نظارت در کلام میل با عبارت «مگر این‌که، اوضاع و احوال طوری باشد که همان وظیفه را، وظیفه‌ای در قبال دیگران سازد»، بیان شده است که بیان‌گر آزادی مثبت<sup>۳</sup> است؛ چرا که «این آزادی رویه عمل و به‌نوعی مجموعه مقولات و مفاهیم کلی است که در قالب یک نظام و مکتب یا قوانین، اعمال و افکار افراد را تا حد زیادی شکل می‌دهد» (جهانبگلو، ۱۳۸۷، ص: ۷۳). بنابراین وجود جبر و مقررات و اعمال محدودیت‌ها به منظور تحدید آزادی‌های منفی ضرورت دارد تا موجب هرج‌ومرج و بیدادگری نشود و به عبارتی حقوق افراد را تضییع و رفاه و سعادتشان را آشفته نسازد؛ چرا که از نگاه میل، قصور فرد در وظیفه‌اش در برابر خود تنها زمانی امکان مؤاخذه و بازخواست را فراهم می‌آورد که

1. Negative Liberty

2. Anarchism

3. Positive Liberty

قصور فرد در این وظیفه‌اش، توأم با نقض وظیفه در برابر دیگران باشد و باعث نقض حقوق و آشفته ساختن آسایش آن‌ها شود.

### رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت

میل بیان می‌کند: «مواردی که ما مایلیم دیگران کارهایی را انجام دهند، اما چه‌بسا به‌دلیل انجام ندادن آن کار از آن‌ها بدمان می‌آید یا تحقیرشان می‌کنیم، ولی با این حال قبول داریم که آن‌ها ملزم به انجام آن نیستند؛ موردی برای وظیفه اخلاقی نیست؛ ما آن‌ها را سرزنش نمی‌کنیم و این به معنای آن است که عملکرد آن‌ها را واقعاً موضوع تنبیه و جزا محسوب نمی‌کنیم» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۵). در دیدگاه او این قبیل رفتارها که از آن‌ها تحت عنوان رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت نام برده می‌شود، همان رفتارهایی‌اند که هرچند در اصل ناشی از قصور فرد در وظیفه‌اش در قبال خود است، اما تا زمانی که تهدیدی برای حقوق و آسایش دیگران به دنبال نداشته باشند، مشمول بازخواست نمی‌شوند. رفتارهایی هم چون قساوت قلب، خشونت، تکبر، خودخواهی شدید، بی‌صداقتی، بخل و حسد و... از جمله این رفتارها هستند (میل، ۱۳۸۵، صص: ۱۹۶، ۱۹۸ و ۲۰۱). البته نگاه ما به این رفتارها با نگاه میل کاملاً متفاوت است و ما آن‌ها را به‌عنوان رذائل اخلاقی تلقی می‌کنیم.

در نظر گرفتن چنین دامنه‌ای از آزادی برای وظیفه فرد در قبال خود، به نوعی با وظیفه نداشتن نسبت به خود مساوی است و برهمن اساس است که میل تعریف رفتارهای ناخوشایند را به این صورت بیان داشته است. بنابراین در دیدگاه میل، وظیفه فرد در برابر خود، تنها در پرتو وظیفه‌اش در برابر دیگران معنا و ضرورت می‌یابد و این به‌دلیل همان نگرش لیبرالی میل است که پیش‌تر بیان شد.

### تربیت اخلاقی در گستره رفتارهای نامطلوب (هدف و ابعاد تربیت اخلاقی)

با توجه به بیان میل مبنی‌براین‌که «مدعای اصلی آموزه فایده‌گرا این است که خوشبختی و فقط خوشبختی، به‌عنوان غایت مطلوب است» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۹)، می‌توان خوشبختی را که منظور از آن بیشترین سرجمع شادکامی همه با هم است، به‌عنوان هدف تربیت اخلاقی دیدگاه او عنوان کرد. تربیت اخلاقی را می‌توان در گستره رفتارهای نامطلوب در دوبعد پیشگیری و مجازات تبیین کرد؛ در تنبیه و مجازات از رفتارهای نامطلوبی که مشمول مجازات می‌گردند، از شکل مجازات تعیین شده برای این رفتارها و چگونگی آن سخن به‌میان می‌آید، اما در پیشگیری، از بروز اولیه رفتار نامطلوب جلوگیری به‌عمل می‌آید.

تنبیه و مجازات<sup>۱</sup>

از دیدگاه میل، همان انگیزه‌های نیرومندی که ما را به مراعات قواعد بنیادین اخلاقی وامی‌دارد، تنبیه و مجازات کسانی را هم که این قواعد را نقض می‌کنند، ایجاب می‌کند (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۵۵). به تناسب دو نوع رفتار نامطلوبی که پیش‌تر بیان شد، تنبیه و مجازات در دیدگاه میل به دو شکل نمود می‌یابد. مجازات قانونی و نکوهش به علت نقض حقوق و آشفته‌ساختن آسایش دیگران، و ازدست‌دادن حسن‌نظر دیگران و محروم شدن از ارتباطشان به علت رفتارهای فاقد متانت شخصی.

درحیطه رفتارهای خطا، میل اگرچه هرگونه رفتار خطایی را مستوجب مجازات می‌داند، اما اعمال مجازات از سوی قانون را همیشه به مصلحت نمی‌داند. چنان که می‌گوید: «ما در برخی موارد از مجازات صورت‌گرفته از طرف دادگاه به دلیل عوارض نامناسبی که ممکن است داشته باشد، صرف‌نظر می‌کنیم، اما این بی‌کیفر ماندن فعل ناعادلانه را شر تلقی می‌کنیم و سعی می‌کنیم فشار ناشی از آن را با ابزار نکوهش شدید از جانب خود و اجتماع، علیه مجرم، جبران کنیم» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۴). که از منظر ما عملی ناعادلانه تلقی می‌شود. چنان که در ذیل مباحث رفتارهای نامطلوب بیان گردید، قصور فرد در وظیفه‌اش در قبال دیگران، و وظیفه‌اش در برابر خود هنگامی که آن وظیفه، وظیفه‌ای در قبال دیگران باشد، مستوجب مجازات‌های قانونی و برخوردهای توأم با سرزنش است.

در خصوص رفتارهای ناخوشایند که به نظر او زیانی به حقوق و آسایش دیگران نمی‌رساند، میل مؤاخذه فرد و به عبارتی دیگر مجازات‌های قانونی و برخوردهای توأم با نکوهش را جایز نمی‌داند، و در مقابل از، ازدست‌دادن حسن‌نظر دیگران و محروم گشتن از ارتباطشان و ...، به‌عنوان نوعی تنبیه و مجازات یاد می‌کند. درواقع اگرچه این رفتارها آسیب‌هایی را برای دیگران نیز به دنبال دارد، اما از آنجایی که این آسیب‌ها ناقض حقوق و آسایش دیگران نیست، میل آن‌ها را به‌معنی واقعی کلمه، ضرر ندانسته و از این رو درمورد این رفتارها قائل به اشکال دیگری از تنبیه و مجازات است. البته میل در رابطه با این رفتارها پیش از هرچیز بر نصیحت فرد، آگاه ساختنش از عواقب عملی که انجام می‌دهد و متقاعد کردنش به نکردن آن عمل تأکید دارد، و قطع معاشرت و تحقیر را تنها در مواردی جایز

۱. مطالب بیان شده ذیل این عنوان صرفاً مطالبی است که جهت بحث در بعد پیشگیری ضرورت داشته‌اند.

می‌داند که حماقت و پستی سلیقه فرد به افراط کشیده شود (میل، ۱۳۸۵، صص: ۱۹۶-۱۹۷ و ۲۳۹).

### پیشگیری (پیشگیری اولیه از رفتارهای نامطلوب و اصول حاکم بر آن)

چنان که در مقدمه بیان گردید، آنچه که در مورد پیشگیری از رفتارهای نامطلوب وجود دارد، شامل پیشگیری کنشی (پیشگیری قبل از ارتکاب رفتار نامطلوب) و پیشگیری واکنشی (پیشگیری بعد از ارتکاب رفتار نامطلوب) است. اما مقصود این پژوهش از پیشگیری، پیشگیری کنشی و آن هم از نوع پیشگیری اولیه است.<sup>۱</sup> بررسی دیدگاه میل نشان می‌دهد که اصول حاکم بر این پیشگیری شامل دو اصل عدالت و تدبیر است.<sup>۲</sup>

### اصل عدالت

از دید میل عدالت وظیفه‌ای مندرج در مفهوم فایده و چیزی است که کسی می‌تواند آن را به‌عنوان حق اخلاقی خود از ما طلب کند (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۷ و ۱۵۷). (البته ما در تعریف عدالت به تأسی از حضرت علی (ع) آن را قرار دادن هر چیزی در سر جای خودش می‌دانیم). به بیان صریح‌تر مراعات حقوق دیگران از نظر میل، همان بنیان عدالت است. میل احساس عدالت را با توجه به یکی از عناصر آن یعنی علاقه به کیفر دادن، احساس طبیعی تلافی کردن می‌داند که به کمک هوش و همدلی به آزارهایی هم سرایت می‌کند که به ما از رهگذر جامعه یا موازی با آن، زخم می‌زند. از این رو او این احساس را بر فایده مبتنی می‌سازد تا بدین طریق به آن هویت اخلاقی دهد و این فایده همان امنیت است (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۴۰، ۱۴۲ و ۱۴۴). با این نگرش، می‌توان گفت که میل اجرای عدالت را برای حفظ امنیت لازم

۱. بنا بر اظهارات میل در کتاب «رساله درباره آزادی» که در آن محدود کردن تعداد آجرو فروشی‌ها و میکده‌ها را که باعث می‌شود فرصت بدمستی کم شود، درست ندانسته و وضع این قبیل مقررات را برازنده جامعه‌هایی می‌داند که در آن طبقه کارگر را به چشم وحشیان و کودکان می‌نگرند (میل، ۱۳۸۵، ص: ۲۵۷)، می‌توان بیان داشت که در دیدگاه او پیشگیری اولیه در معنای تحدید حدود امکان پیشامدها و رفتارهای بد از راه غیرممکن الوقوع ساختن یا سخت و دشوار نمودن جایگاهی ندارد و این نوع پیشگیری تنها شامل جلوگیری از به وجود آمدن فرصت‌های مجرمانه از طریق آموزش، تربیت و وضع قوانین است. البته به رغم نظر میل، در فرهنگ اسلامی یکی از راه‌های پیشگیری از جرم عدم راه اندازی اماکن فساد مانند مشروب فروشی‌ها مد نظر می‌باشد و شراب تحریم شده است.

۲. چنان که در ادامه بحث روشن می‌گردد، اصل تدبیر خود دربردارنده دو اصل تسلط قوه عاقله بر دیگر قوا و خودآیینی است. هم چنین اصل عدالت بنا بر اظهارات میل مبنی بر این که «والا ترین وظایف بشر به مراعات برابری و بی‌طرفی اختصاص یافته؛ به طوری که این برابری و بی‌طرفی هم در برآورد عامیانه و هم در برآورد روشن‌بینانه، جزء احکام و اوامر عدالت محسوب می‌شود» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۵۸)، شامل دو اصل برابری و بی‌طرفی است.



می‌داند نه صرفاً از برای عدالت، و بدین طریق برای مفهوم عدالت قائل به یک بنیان فایده‌گرایانه مستحکم می‌گردد. هم چنین با ابتدای عدالت بر فایده در دیدگاه میل، عدالت در مورد سطوحی از قواعد و توقعات اخلاقی به کار می‌رود که در مقایسه با دیگر قواعد و توقعات با درجه و شدت بیشتری متعلق وظیفه و تکلیف است (اُزگور،<sup>۱</sup> ۲۰۰۹، ص: ۱۵۳). آن چه که میل در دیدگاهش با بیان عباراتی چون استحقاق کیفر، انتقام گرفتن از فرد خاطی، آشنا ساختن مزه رنج و تعب به نحوی آشکار به فرد و ... (میل، ۱۳۸۵، صص: ۲۰۳ و ۲۰۶) بیان می‌دارد، همگی در راستای اصل عدالت است.

هم‌چنان‌که در تمام زمینه‌هایی که به حقوق و مصالح دیگران زیان می‌رسد، اجرای عدالت ضرورتی است که ما را به مجازات فرد خاطی سوق می‌دهد، در پیشگیری اولیه نیز حاکمیت اصل عدالت انکارناپذیر است. به بیان صریح‌تر از آن جایی که به عقیده میل انسان‌ها دارای منافع خودخواهانه هستند و طبیعت بشر نیز عموماً به پایمال کردن حقوق دیگران گرایش دارد، قیود و فشارهایی لازم است تا افراد به منافع یک دیگر زیان نزنند (میل، ۱۳۷۹، صص: ۶۱ و ۱۶۵). این قیود و فشارها همان قوانین عرضه شده در زمینه رعایت حقوق دیگران است. با نظریه این‌که «عدالت لزوماً دربردارنده قواعد و قوانین است» (رایت،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴، ص: ۲۶۷) و چنان که بیان شد، این قوانین حافظ حقوق افراد هستند، نقش اصل عدالت در پیشگیری اولیه از ارتکاب رفتارهای خطایی که ناقض حقوق است، مشخص می‌شود.

### اصل تدبیر

یکی دیگر از اصول حاکم بر پیشگیری اولیه از رفتارهای خطا، اصل تدبیر و خودمراقبتی است. تدبیر در دیدگاه میل در دو معنای مراقبت از نفس و مراقبت از استدلال‌ها و تصمیمات شخصی مطرح شده است.

باتوجه به این‌که میل در دیدگاهش و در بحث از امیال و انگیزه‌ها و معتقدات و اندیشه‌ها، این دو امر را لازمه زندگی انسان کامل دانسته و تعدیل‌نشدن آن‌ها به شیوه‌ای مناسب را برای زندگی خطرناک می‌داند (میل، ۱۳۸۵، ص: ۱۵۵)، می‌توان بخشی از تدبیر و خودمراقبتی در دیدگاه او را مراقبتی دانست شبیه «آنچه که فرهنگ یونان و روم باستان از مراقبت از

1. Özgür

2. Wright

خود در نظر داشتند؛ یعنی مراقبت از نفس» (ولتمن و پایپر،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴، ص: ۱۹۲). با توجه به اینکه تدبیر به سبک فرهنگ یونان و روم، با اعمال و شیوه‌هایی چون خویش‌بینی و خودمدیریتی همراه است، و مراقبت از خود به دلیل وجود این شیوه‌ها ارتباط صریحی با مسئولیت و وظیفه در قبال خود دارد (ولتمن و پایپر، ۲۰۱۴، ص: ۱۹۲)، و از سوی دیگر چنان چه اعمال فرد در تضاد با وظایفش در برابر دیگران باشد، موجب نقض حقوق آن‌ها و آشفته ساختن آسایش‌شان می‌گردد، می‌توان گفت که در بسیاری از موارد تا زمانی که فرد به مراقبت از نفس خود - که آشکارا با وظیفه‌اش نسبت به خود و دیگران پیوند دارد- نپردازد، قادر به انجام درست وظایف خود در قبال دیگران نیست.

در دیدگاه میل، حاکمیت اصل تدبیر در معنای مراقبت از استدلال‌ها و تصمیمات شخصی و پذیرفتن مسئولیت قضاوت‌های شخصی (وستلند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)، در پیشگیری اولیه از رفتارهای خطا نیز مشهود است. توضیح مطلب آن که تدبیر در معنای مراقبت از استدلال‌ها و تصمیمات شخصی، به معنای تعصب داشتن به عقاید خود نیست، بلکه «علی‌رغم این که ثباتی در مراقبت از دلایل شخصی وجود دارد، درجه‌ای از انعطاف‌پذیری نیز در آن موجود است که محصول آزادی و باز بودنمان در برابر دیدگاه‌های دیگران است» (ولتمن و پایپر، ۲۰۱۴، ص: ۱۹۷) چنین امری نه‌تنها ناقض خودآیینی نیست، بلکه لازمه رشد آن است. چنان که رابرتز و وود<sup>۳</sup> معتقدند که «شرط خودآیینی نه بی‌اعتنایی به دیگری و نه نادیده انگاشتن او، بلکه پایداری در مقابل فشارهای ناموجه دیگران به کمک تأمل انتقادی موجود در خود است. ... و وامداری از دیگری، چنان چه رأی و عقیده‌ای برتر باشد، می‌تواند راهی برای از آن خود کردن دگرتنظیمی و افزودن به خودآیینی باشد.» (رابرتز و وود، ۲۰۰۷، صص: ۲۵۸-۲۵۹ و ۲۸۵) درواقع با مواجهه فرد با دیدگاه‌های دیگران، او عقاید موجود در این دیدگاه‌ها را به محک تأمل وجدان‌مدارانه<sup>۴</sup> زده (زگزبسکی، ۲۰۱۳، ص: ۲۵۸) و چنان چه این عقاید را منطقی و مطلوب بباید، آن‌ها را پذیرفته و از همان‌ها مراقبت می‌کند، اما چنان چه عقاید و نظرات ارائه شده را معقول و مطلوب نیابد، هم چنان بر سر استدلال‌ها و تصمیمات شخصی قبلی

---

1. Veltman & Piper

2. Westlund

3. Roberts & Wood

4. Conscientious Self-Reflection

خود باقی مانده و بدین طریق از انجام عملی برخلاف آن‌ها که ضرر به دیگران را در پی دارد، خودداری می‌کند.<sup>۱</sup>

در مورد رفتارهای نامطلوبی که از آن‌ها تحت‌عنوان رفتارهای ناخوشایند یاد شد، می‌توان گفت هرچند که این رفتارها زبانی به حقوق و آسایش دیگران نمی‌رسانند، اما چون در اصل ناشی از قصور فرد در وظیفه‌اش در قبال خود است، اصل حاکم بر پیشگیری اولیه از این رفتارها، همان اصل تدبیر است. از این رو در خصوص این رفتارها، تأکید بر خوب تربیت شدن فرد از همان اوان کودکی است. توضیح مطلب آن‌که، به عقیده میل «آدمی واقعاً آرزو نمی‌کند که به سوی جایگاه موجودی که در سطح پایین‌تری از هستی می‌شماردش، سیر قهقرائی را طی کند و این تمایل نداشتن به دلیل احساس شرافتی است که تمامی انسان‌ها به اشکال مختلف از آن برخوردارند» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۶۱) و از آن‌جا که میل در دیدگاهش به دنبال افزایش خوشبختی و کاهش رنج است و از سویی عناصر خوشبختی را متعدد می‌داند (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۱۱)، ضرورت اصل تدبیر در معنای مراقبت از نفس که از مؤلفه‌های مؤثر در شرافت آدمی و خوشبختی اوست، به منظور شکل‌نگرفتن رفتارهای ناخوشایند در فرد آشکار می‌گردد. هم‌چنین با توجه به این بیان میل که «ما حق داریم روی عقیده نامساعدی که نسبت به کسی پیدا کردیم، او را از راه‌های مختلف تحت فشار قرار دهیم که رویه خود را اصلاح کند، به شرطی که منظورمان از این کارها اعمال استقلال فردی خودمان باشد و نه خفه کردن استقلال فردی او» (میل، ۱۳۸۵، ص: ۱۹۷)<sup>۲</sup>، مشخص می‌شود که وی دغدغه افراد در تعامل با دارندگان رفتارهای ناخوشایند را نیز دارد، از این رو حاکمیت اصل تدبیر در پیشگیری اولیه از رفتارهای ناخوشایند، علاوه بر معنای مراقبت از نفس، در معنای مراقبت از استدلال‌ها و تصمیمات شخصی برای تأثیرنپذیرفتن از دارندگان رفتارهای

۱. هر چند میل در دیدگاه خود به صراحت نامی از خودآیینی به میان نمی‌آورد، اما بیان عباراتی در «رساله درباره آزادی» از قبیل آزادی‌های فردی، فردیت انسانی، تعقیب منافع خود به هر طریقی که می‌پسندیم و مباحثش در رابطه با افراد فعال و با خصلت که انگیزه و تمایلاتش ناشی از اراده خود و نه دیگری است (میل، ۱۳۸۵، صص: ۴۵، ۱۴۹-۱۵۱، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۹۵)، همگی حاکی از توجه او به خودآیینی است، و نزد برخی افراد چون آرنسون (Arneson) این توجه به حدی است که وی را معتقد ساخته که آن چه که مقصود میل در این رساله بوده نه آزادی بلکه خودآیینی است (آرنسون، ۱۹۸۰، صص: ۴۷۶ و ۴۷۸).

۲. لازم به ذکر است که در دیدگاه میل، اصلاح دارندگان رفتارهای ناخوشایند، تنها با هدف اعمال استقلال فردی افراد در تعامل با آن‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه مواردی نیز در دیدگاه او وجود دارد که هدفش مستقیماً اصلاح خود دارندگان این رفتارهاست.

ناخوشایند و در امان ماندن از آسیب‌های ناشی از این رفتارها برای افراد در تعامل با آنها نیز مسلم است.

بنا بر مطالب فوق، در پیشگیری اولیه از رفتارهای نامطلوب، دو اصل تدبیر و عدالت نقش کلیدی ایفا می‌کنند که این امر تأییدی است بر این عقیده میل که «بنیادهای اصلی زندگی اخلاقی در عصر جدید، عدالت و تدبیر است؛ یعنی توجه هر کس به حقوق دیگران، و توانایی هر کس در مراقبت از خود» (میل، ۱۳۷۹، ص: ۱۳۶).

### راهبردهای پیشگیری اولیه از رفتارهای نامطلوب

به عقیده میل «اگر مردم دست به اعمال بد<sup>۱</sup> می‌زنند، از این جهت نیست که تمایلاتشان قوی است، بلکه از آن جهت است که وجدانشان ضعیف است.» (میل، ۱۳۸۵، ص: ۱۵۶) با توجه به این که احساس وظیفه‌شناسانه مطرح در دیدگاه میل؛ یعنی احساسات دیگرخواهانه، جوهر وجدان است (میل، ۱۳۸۸، ص: ۹۶)، می‌توان اقدام افراد به کارهای بد؛ یعنی اعمال ناقض حقوق و آسایش دیگران را ناشی از ضعف احساسات دیگرخواهانه در آنها دانست. از این رو برای پیشگیری از رفتارهای خطا که رفتارهای ناقض منافع دیگرخواهانه هستند، می‌توان به تقویت و نیرومندسازی وجدان پرداخت.

در دیدگاه میل پیشگیری از طریق تقویت وجدان به‌عنوان یک راهبرد تربیتی<sup>۲</sup>، می‌تواند ناشی از الزام درونی خود فرد باشد، یا با الزامات بیرونی محقق شود. بیان میل مبنی بر این که «شبکه فشرده‌ای از پیوستگی‌های تأییدگر به وسیله عملکرد نیرومند الزامات خارجی، دور احساسات دیگرخواهانه می‌پیچد و آن را تقویت می‌کند» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۳)، گواه همین تقویت وجدان از طریق الزامات بیرونی است. اما در پیشگیری اولیه از رفتارهای ناخوشایند، از آنجایی که این رفتارها ناقض منافع دیگرخواهانه نیست، راهبردهای پیشگیری از طریق تقویت وجدان درباره آنها مستقیماً کاربرد ندارد. از سوی دیگر چون میل هیچ‌گونه اجبار قانونی و اجتماعی را در مورد دارندگان این رفتارها برای تغییر رویه خود جایز نمی‌داند، به‌کارگیری الزام بیرونی برای پیشگیری اولیه از این رفتارها نیز صحیح نمی‌دانست. از این رو

1. III Acts

۲. راهبرد تربیتی، تلاشی آموزشی برای کمک به رشد نگرش‌ها و رفتارهاست (کوپاک، ۱۹۹۳، ص: ۱۱).

تنها راهبردهای مناسب جهت پیشگیری از این رفتارها، راهبردهایی‌اند که صرفاً جنبه آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی داشته باشند.

### الف. پیشگیری اولیه از رفتارهای خطا؛ راهبردهای تقویت وجدان

#### ۱. کسب عادت نگریستن به منافع غیرخودخواهانه:

میل در دیدگاهش از دو نوع منافع خودخواهانه و دیگرخواهانه نام می‌برد. وی هرچند منکر سود فرد و به عبارتی منافع خودخواهانه او نیست (میل، ۱۳۸۵، ص: ۴۷)، اما از آنجایی که در دیدگاهش به دنبال بیشترین خوشی همه است، آنچه که نزد او حرف اول را می‌زند، منافع دیگرخواهانه است (میل، ۲۰۰۱، ص: ۷۰). لازم به ذکر است که این تأکید میل بر منافع دیگرخواهانه، به معنای صرف در نظر گرفتن منافع عمومی نیست؛ چرا که میل اذعان می‌کند که: «توقع گزافی است که از مردم بخواهیم همواره عمل خود را با انگیزه ارتقای منافع عمومی انجام دهند، این اشتباه فهمیدن معنای معیار اخلاقیات، و به جای هم گرفتن قاعده عمل با انگیزه آن است.» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۷۵) میل خودخواهی شدید را تنها در صورتی مستحق تخطئه اخلاقی می‌داند که توأم با نقض وظیفه در قبال دیگران باشد (میل، ۱۳۸۵: ۲۰۱)، بنابراین می‌توان دریافت که دلیل تأکید بر منافع دیگرخواهانه در دیدگاه وی این است که افراد در راه دستیابی به اهداف و منافع خود، نه تنها باید به منافع و مصالح دیگران زیان نزنند، بلکه آثار و نتایج حاصل از هدف انتخابی‌شان نیز باید در خوشبختی و پیشرفت آن‌ها مؤثر واقع شود. اما علت تأکید میل در به صورت عادت درآمدن منافع دیگرخواهانه از این جهت است که تنها با به صورت عادت درآمدن این منافع است که فرد می‌تواند پای‌بندی محکمی به حفظ و مراعات منافع دیگران داشته باشد.

#### ۲. آموختن معنا و مفهوم وظیفه:

از آنجایی که میل وجود رفتارهای خطا را ناشی از قصور فرد در وظایفی که نسبت به دیگران به عهده دارد، می‌داند، به منظور پیشگیری اولیه از این رفتارها می‌توان بخشی از تمرکز و فعالیت خود را بر آموختن معنا و مفهوم وظیفه قرار داد؛ چرا که وظیفه، آزادی‌های بی‌رویه فرد را که موجب زیان به دیگران می‌شود، محدود می‌سازد. چنانچه میل اذعان می‌دارد: «اگر انسان‌ها معنای وظیفه و ارزش خرد را آموخته باشند، در استفاده از آزادی این دو را راهنمای خود قرار می‌دهند و آزادی را محدود می‌کنند» (میل، ۱۳۷۹، ص: ۱۵۳). نقش خرد در استفاده از آزادی نیز در پیوند با همین وظایف قابل درک است؛ به عبارتی

نقش خرد در فهم ضرورت وجود اصل ضرر در تبیین وظایف و وضوح این امر است که این وظایف، تضادی با خودآیینی فرد ندارند.

### ۳. تقویت و توانمندسازی شخصیت:

به عقیده میل «انسان بر اثر ضعف شخصیت، مطلوب‌های زودپاب‌تر را انتخاب می‌کند و این هنگامی که انتخاب بین دو لذت بدنی است، همان‌قدر وجود دارد که وقتی انتخاب میان یک لذت بدنی و یک لذت فکری است.» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۶۲) از آنجایی که گزینش مطلوب‌های زودپاب‌تر چه‌بسا موجب نقض و قصور فرد در انجام وظایفش در قبال دیگران شود، تقویت شخصیت به‌عنوان عامل بازدارنده از این مطلوب‌ها ضرورت دارد، و آنچه که موجب این تقویت می‌شود، دو عنصر «تربیت» و «عقیده» هستند «که باید نفوذ خود را به نحوی به‌کارگیرند که در ذهن هر فرد شراکت جدایی‌ناپذیری بین خوشبختی او و خیر اجتماع بنا شود» (وایت، ۲۰۰۵<sup>۱</sup>، ص: ۴۱).

### ۴. پرورش عشق به فضیلت:

میل در مقام مقایسه بین تفاوت عشق‌به‌فضیلت با عشق‌به‌پول، قدرت و شهرت بیان می‌کند که: «هیچ‌چیز نمی‌تواند به اندازه پرورش عشق‌به‌فضیلت، فرد را سرشار از برکت و رحمت نسبت به افراد جامعه‌اش کند» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۱۴)، وجود چنین عقیده‌ای در اندیشه میل بیان‌گر نقش مهمی است که فضیلت‌مندی می‌تواند در توجه به احساسات دیگرخواهانه داشته باشد. به دلیل همین نگاه ویژه میل به فضیلت است که میلر<sup>۲</sup> بیان کرده‌است: «هرچند که میل فی‌نفسه یک اخلاق‌گرای فضیلت‌محور نیست، اما اهمیت به مراتب بیشتری به رشد و توسعه توانایی‌های به‌وضوح انسانی ما و شکل‌گیری عادت‌های مطلوب می‌دهد» (میلر، ۲۰۱۴، ص: ۳۶۶). البته از دید میل روی‌آوری فرد به فضیلت از آن‌رو نیست که فضیلت، فضیلت است، بلکه یا به این دلیل است که داشتن آن برای فرد لذت‌آور است و یا این‌که نداشتنش رنج‌آور است (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۱۴).

1. White  
2. Miller

**۵. قرار گرفتن در معرض عقاید و دیدگاه‌های مختلف:**

قرار گرفتن در معرض عقاید و دیدگاه‌های مختلف موجب آشنایی با عقاید، مذاقه و بررسی کردن این عقاید و استدلال‌های حاکم بر آن‌ها می‌شود؛ چنین امری با ایجاد بینش در فرد، نقش مهمی در روی‌گردانی از توجه صرف به منافع خودخواهانه و روی‌آوری به منافع دیگرخواهانه خواهد داشت.

**۶. ایجاد مکتب پرورش روح اجتماعی:**

در دیدگاه میل، تربیت مناسبی که در آن فرد به خیر همگانی علاقه بی‌ریا نشان می‌دهد، در پرتو وجود «مکتب پرورش روح اجتماعی» تحقق می‌یابد. در این زمینه میل معتقد است: «هنگامی که فرد از طریق گسترش عقاید و پرورش استعدادها به واسطه آموزش، احساس مسئولیت یابد، به ارج گذاشتن به منافع غیر از منافع خود برانگیخته می‌شود و همیشه آن قاعده‌هایی را به‌کار می‌بندد که علت وجودی‌شان خیر عموم باشد». میل در ادامه اذعان می‌دارد: «در صورت عدم وجود چنین مکتبی، ضمن آن‌که اخلاق عمومی بی‌جان می‌شود، اخلاق خصوصی نیز آسیب می‌پذیرد» (میل، ۱۳۸۹، ص: ۱۰۰-۱۰۱).

**۷. تدوین قوانین منطقی و عادلانه:**

میل در دیدگاه خود بر این نظر است که قوانین چون ساخته ذهن انسان هستند، می‌توانند بد تدوین شوند؛ به‌گونه‌ای که فرد در پوشش قانون همان کارهایی را انجام بدهد که افرادی بدون حمایت قانونی انجام می‌دادند (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۳). از نشانه‌های تدوین قوانین عادلانه و عادلانه وجود قوانینی است که در عین توجه بر هر دو منافع خودخواهانه و دیگرخواهانه، حافظ منافع خودخواهانه آدمی در حداکثر هماهنگی با منافع دیگرخواهانه نیز باشد. چنان که میل بیان می‌دارد: «قوانین و ترتیبات اجتماعی باید خوشی یا منافع هر فرد را به‌گونه‌ای در نظر بگیرد که بیش‌ترین هماهنگی ممکن را با منافع کل داشته باشد» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۷۴).

بنا به تفسیر لیون<sup>۱</sup> پیوند بین وظیفه اخلاقی و اجبار، میل را به این ایده هدایت می‌کند که وظایف اخلاقی توسط قانون تعریف و تبیین می‌شوند (گوس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰، ص: ۲۶۶)، بنابراین

1. Lyons

2. Gaus

بدیهی است که تدوین قوانینی با ویژگی‌های مذکور نقش مهمی در پیشگیری‌های اولیه از رفتارهای نامطلوب خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### ب. پیشگیری اولیه از رفتارهای ناخوشایند؛ راهبردهای صرفاً آگاهی‌بخش و بصیرت‌افزا

#### ۱. آگاهی دادن از پی‌آمدهای رفتار ناخوشایند:

از دیدگاه میل، وجود رفتارهای ناخوشایند در انسان که نشان دهنده حماقت و پستی سلیقه در اوست، فقط تا حد معینی تحمل‌شدنی است و اگر از آن حد تجاوز کند، موجب تحقیر فرد، پایین‌آمدن مقامش در چشم دیگران، بهره‌مندی کمتر از احساسات مساعد آن‌ها و اجتناب دیگران از معاشرت با او می‌شود (میل، ۱۳۸۵، صص: ۱۹۶-۱۹۹). آگاهی داشتن از چنین پی‌آمدهایی می‌تواند عامل مؤثری برای پیشگیری اولیه از این رفتارها و درواقع ضرورت روی‌آوری به خوب تربیت‌کردن خود باشد.

#### ۲. گوشزد کردن آسیب‌همراهی با دارندگان رفتارهای ناخوشایند:

با توجه به تأثیری که افراد در جریان تعاملاتشان از یکدیگر می‌پذیرند، ضمن این‌که فرد خود باید مراقب تأثیرات سوء برخی تعاملات باشد، دیگران نیز چنان‌چه خطرات این تعاملات برایشان مبرهن شده باشد، موظف‌اند که افراد ناآگاه را نسبت به این خطرات هشیار ساخته و عواقب ناگوار آن را برایشان بیان دارند. چنان‌که میل در زمینه تعامل افراد با دارندگان رفتارهای ناخوشایند بیان می‌کند: «این حق همه ما، حتی گاهی وظیفه ماست که خطر اختلاط با اشخاص احمق را به دیگران گوشزد کنیم و بگوییم که از معاشر ناجنس پرهیز کنند و البته این در صورتی است که معتقد باشیم کارها، روش‌ها و صحبت‌های او ممکن است عواقب سوء برای معاشرانش ایجاد کند» (میل، ۱۳۸۸، ص: ۱۹۸). از آنجایی که هر انسان سالمی ترجیح می‌دهد که از چنین آسیب‌هایی در امان باشد، گوشزد کردن آسیب‌های این همراهی نقش مهمی در عدم مصاحبت و مجالست افراد با دارندگان این قبیل رفتارها و به‌تبع محفوظ ماندن از عواقب سوء همراهی با آنان را در پی دارد.

۱. با توضیحی که بیان گردید، مشخص است که این تدوین قوانین با وضع قوانین برای مجرمان به‌منظور جلوگیری از ارتکاب اولیه جرم ازسوی دیگر افراد جامعه متفاوت است؛ این همان پیشگیری واکنشی است.

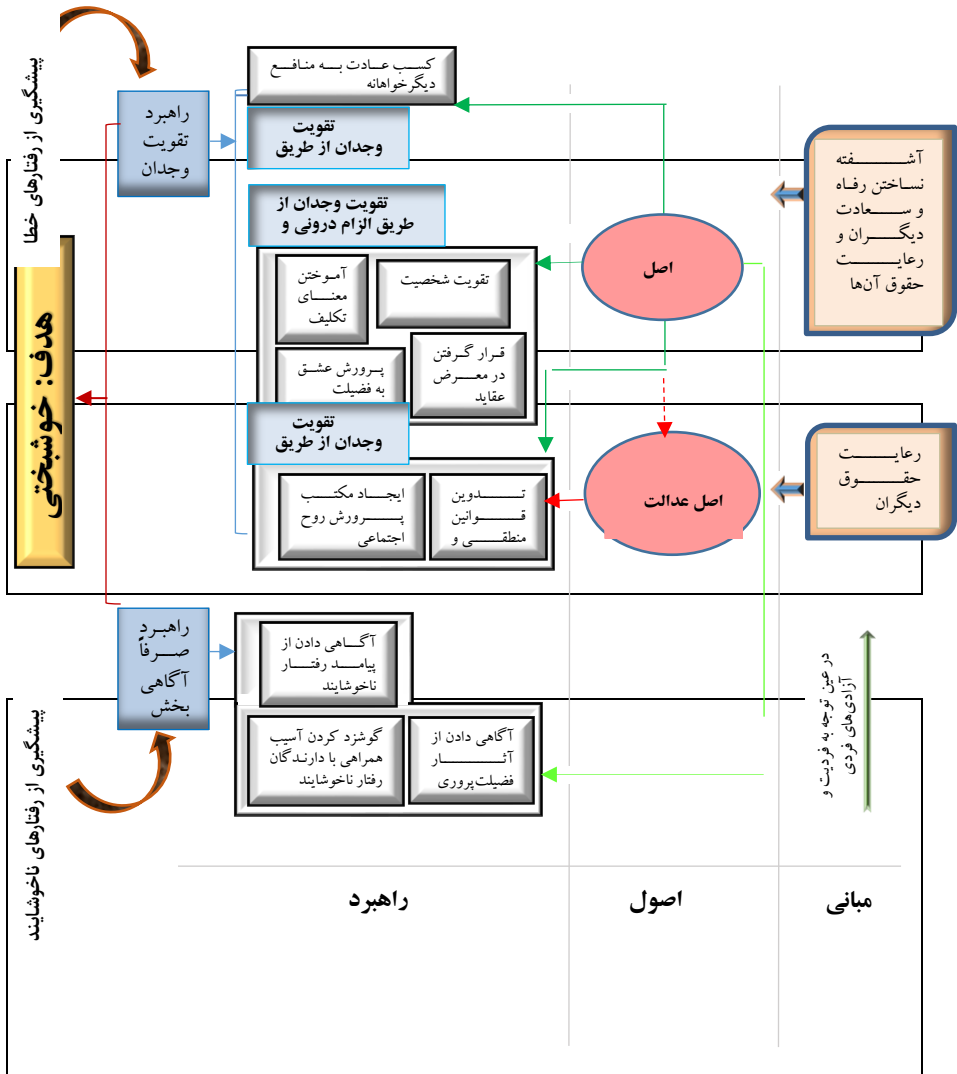


## ۳. آگاهی دادن از آثار و نتایج فضیلت‌پروری:

در دیدگاه میل فضیلت در فرایند پرورش نفس که قلب مفهوم خوشبختی میل است، تعبیه شده و شامل پرورش آن دسته از فضایی می‌شود که بیشتر لیبرال‌ها به آن‌ها توجه کرده‌اند (وروزاکی و کلی،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰، ص: ۹۵). بیان آثار فضیلت و به‌ویژه مهم‌ترین اثر آن که حفظ شرافت و بلندمرتبگی آدمی است، فرد را به حساب‌گری در این زمینه که سنجش میان مواجه شدن با برخورد نامناسب دیگران و در امان ماندن از چنین برخوردهایی است، سوق داده و باعث روی‌آوری او به پرورش فضیلت در خود می‌شود.

از میان راهبردهای فوق، راهبرد تدوین قوانین منطقی و عادلانه مستقیماً به اصل عدالت و دیگر راهبردها به‌طورمستقیم به اصل تدبیر مربوط می‌شوند؛ در این میان راهبردهای پیشگیری از رفتارهای خطا در صورت تحقق، موجب رعایت اصل عدالت نیز می‌گردند. در واقع کلیه راهبردهای مطرح شده برای تقویت وجدان، راهبردهای مربوط به اصل عدالت نیز هستند.

بنابراین چه گذشت، الگوی پیشگیرانه تربیت اخلاقی فایده‌گرا با نظر به عناصر اصلی یک الگو (هدف، مبانی، اصول و راهبرد) به صورت شکل ۱ قابل ترسیم است.



شکل ۱- الگوی پیشگیرانه تربیت اخلاقی فایده‌گرا (پیشگیری اولیه)

### ارزیابی دیدگاه میل در پیشگیری از رفتارهای نامطلوب و نتیجه‌گیری

دلیل روی‌آوری به اخلاق فایده‌گرای میل و تدوین الگوی پیشگیرانه بر اساس آن، مسائل و معضلات اخلاقی موجود در جوامع گوناگون است. این معضلات به اشکال مختلفی بروز می‌یابد و مواجهه با آن‌ها و پیشگیری از وقوعشان به روی آوردن به نگاه‌های عمیق و فیلسوفانه نیاز دارد. بنا بر نتایج حاصل از این پژوهش، گستره رفتارهای نامطلوب در دیدگاه میل، شامل دو دسته رفتار؛ یعنی رفتارهای خطا و رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت است.

آن چه که نزد میل رفتار خطا و یا زیان به دیگری محسوب می‌شود، عملی است که منجر به آشفته‌ساختن آسایش دیگران و تضییع حقوق‌شان می‌گردد؛ یعنی اموری که وجودشان ناشی از قصور فرد در وظایفش نسبت به دیگران است، که این قصور در وظیفه در دیدگاه میل به سه شکل نمود می‌یابد. اما رفتارهای ناخوشایند، در اصل ناشی از قصور فرد در وظیفه‌اش نسبت به خود است، بی‌آن که این قصور تهدیدی را برای آسایش و حقوق دیگران به دنبال داشته باشد.

بنا بر نتایج حاصل از تربیت اخلاقی در گستره رفتارهای نامطلوب، هدف تربیت اخلاقی، خوشبختی است و تربیت اخلاقی در این گستره شامل دو بعد مجازات و پیشگیری است. در دیدگاه میل، مجازات به دو شکل مجازات قانونی و نکوهش به علت نقض حقوق و آشفته‌ساختن آسایش دیگران، و ازدست‌دادن حسن‌نظر و محروم شدن از ارتباطشان به علت رفتارهای فاقد متانت شخصی نمود می‌یابد. مجازات‌های قانونی و برخوردهای توأم با نکوهش، مجازات‌های در نظر گرفته‌شده برای رفتارهای خطا هستند، اما در خصوص رفتارهای ناخوشایند، میل این قبیل مجازات‌ها را جایز ندانسته و از اشکال دیگری از تنبیه و مجازات هم چون تحقیر، قطع معاشرت و ... سخن می‌گوید. البته تأکید میل در این زمینه پیش از هر چیز بر نصیحت فرد، آگاه ساختن وی از عواقب عملی که انجام می‌دهد و متقاعد کردن او به انجام ندادن آن عمل است. در بعد پیشگیری، هر چند که پیشگیری از رفتارهای نامطلوب شامل پیشگیری کنشی و واکنشی است، اما پیشگیری مورد نظر این پژوهش، پیشگیری کنشی و آن هم از نوع پیشگیری اولیه بوده که بررسی دیدگاه میل حاکی از حاکم بودن دو اصل عدالت و تدبیر بر این پیشگیری است.

راهبردهای پیشگیری اولیه به تناسب دو نوع رفتار نامطلوب مذکور، شامل راهبردهای تقویت وجدان و راهبردهای صرفاً آگاهی‌بخش و بصیرت‌افزا هستند که از میان راهبردهای مطرح‌شده، راهبرد تدوین قوانین عادلانه مستقیماً به اصل عدالت و دیگر راهبردها به‌طور مستقیم به اصل تدبیر مربوط می‌شوند؛ در این میان راهبردهای مطرح شده برای تقویت وجدان در صورت تحقق، موجب رعایت اصل عدالت نیز می‌گردند.

ارزیابی یافته‌های حاصل از پیشگیری از رفتارهای نامطلوب نشان می‌دهد که اگرچه عقاید میل در خصوص پیشگیری از رفتارهای خطا (رفتارهای ناقض حقوق و آسایش دیگران) که میل آن‌ها را مشمول مجازات‌های قانونی و برخوردهای توأم با نکوهش می‌داند، به دلیل برخورداری‌اش از وجه معقول و منطقی و نیز لحاظ نمودن اصول عدالت و تدبیر در توضیح و

تبیین پیشگیری از این رفتارها و نیز اصل تدبیر در پیشگیری از رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت، از ویژگی‌ها و نقاط مثبتی است که در دیدگاه او وجود دارد، و از این رو می‌توان افراد جامعه خود و دیگر جوامع را، به‌ویژه والدین و مربیان را که دغدغه تربیت افرادی جامعه‌پذیر و با اخلاقیات پسندیده را دارند، به سمت به‌کارگیری این راهبردها و تدابیر پیشگیری متنوع، و نیز راهبردهای پیشگیری از رفتارهای ناخوشایند تشویق کرد، توجه دست‌اندرکاران رسانه‌های ملی را به ضرورت آگاهی‌بخشی به افراد جامعه در خصوص اهمیت راهکارهای پیشگیرانه به‌عنوان بنیادی‌ترین جنبه تربیت اخلاقی معطوف نمود، اما عقاید وی در زمینه رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت محل نقد و بحث است.

توضیح مطلب آن‌که اگر چه میل در رابطه با این رفتارها تنبیه‌های قانونی و برخوردهای توأم با نكوهش را جایز نمی‌دانست، و به اشکال دیگری از مداخله هم چون نصیحت، آگاه ساختن فرد از عواقب عملی که انجام می‌دهد، متقاعد کردنش به انجام ندادن آن عمل و در موارد حاد، به تحقیر و قطع معاشرت قائل بود، اما این مداخله‌ها و تنبیه‌ها، در ضرر زدن به خود و اصلاح دارندگان رفتارهای ناخوشایند از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیست؛ چرا که میل این مداخله‌ها و تنبیه‌ها را با مدنظر داشتن اصل ضرر و عقیده‌اش در زمینه قصور فرد در وظیفه‌اش در قبال خود بیان کرده است. در واقع به دلیل وجود اصل ضرر که بر اساس آن تحدید دامنه آزادی‌های بی‌رویه فرد تا جایی بیان شده که موجب ضرر به دیگران، نقض حقوق و آشفته ساختن آسایش‌شان، شود و نه درجایی که پای مصالح شخصی فرد در میان باشد. میل عقیده دارد که «هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل قصور در وظیفه‌اش در برابر خود، قصور در احترام به شخصیت خود و خوب تربیت کردن خود، بازخواست کرد»، دیگر مشخص نیست که فرد با این گستره وسیع از آزادی، علی‌رغم آگاهی‌اش از مداخله‌ها و تنبیه‌های لحاظ‌شده، تا چه میزان در جهت تربیت و تکامل خود گام بر خواهد داشت و به عبارتی از آسیب زدن به خود خودداری و احساس شرافتی را که میل معتقد است «تمامی انسان‌ها به اشکال مختلف از آن برخوردارند»، حفظ خواهد کرد یا این‌که تاچه حد می‌توان مطمئن بود که دارندگان رفتارهای ناخوشایند به طرز برخورد دیگران با خود که به شکل نصیحت، آگاهی‌بخشی و ... انجام می‌شود، اهمیت داده و روی به اصلاح آورند. از سوی دیگر به دلیل نبود پشتوانه اجرایی قوی برای ادای «دینی» که میل معتقد است «افراد بشری در تشخیص خوب از بد، تشویق به استفاده هر چه بیشتر از قوای عالیه انسانی و سوق دادن به سمت اهداف عاقلانه و نقشه‌های ترقی‌بخش نسبت به یکدیگر دارند» (میل،

۱۳۸۵، ص: ۱۹۴)، مشخص نیست که تاچه حد می‌توان اطمینان داشت که افراد در تعامل با دارندگان رفتارهای ناخوشایند، رفتار خود در رابطه با این افراد را صرفاً محدود به تحقیر و قطع معاشرت نکنند. از این رو به صراحت می‌توان ادعان داشت که رفع ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در بحث پیشگیری از رفتارهای ناخوشایند و بی‌خاصیت، نیازمند تجدیدنظرهای اساسی در اصل ضرر میل و تصحیح و ترمیم برخی از عقاید اوست. بنابراین چه گذشت، بدیهی است که باید در کنار توجه به وجوه مثبت دیدگاه میل در عرصه پیشگیری از رفتارهای نامطلوب و بومی‌سازی این نقاط مثبت، آسیب‌ها و کاستی‌های آن را نیز در نظر داشت تا از تقلید و تأثیرپذیری‌های صرف که تبعات زیان‌باری را به دنبال دارد، جلوگیری شود.

## منابع

- ابراهیم‌پور لیالستانی، حسین (۱۳۸۵). اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی. *ماهنامه معرفت* (۱۰۶)، ۷۱-۸۵.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*. (ملیحه آشتیانی و محمد یمینی‌دوزی سرخابی، مترجمان). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پرادل، ژان (۱۳۸۸). *تاریخ اندیشه‌های کیفی*. (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: سمت.
- پرتوی، محمود (۱۳۹۸). راهبردهای نظری و عملی قرآن در پیشگیری و کنترل جرم. *دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی* ۴(۱)، ۴۷-۶۰.
- پورمولا، سید محمدحاشم؛ جاویدی، مجتبی؛ جلیلی‌زاده، محدثه (۱۳۹۶). تحلیل نقش خانواده در پیشگیری از جرائم و انحرافات از منظر آیات و روایات بر اساس الگوی رفع نیاز. *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۵(۳)، ۱۴۹-۱۷۳.
- توسلی، محمدحسن؛ صادقی، محمدمبین (۱۳۹۴). آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم. *فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۲(۳۲)، ۴۲-۷۳.
- جهانگلگو، رامین (۱۳۸۷). *در جست‌وجوی آزادی؛ گفتگو با آیزایا برلین*. (خجسته کیا، مترجم). تهران: نشر نی.
- جعفری‌فرد، حمید؛ حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۶). بررسی دیدگاه علامه در خصوص جرم و پیشگیری از آن. *فصلنامه معرفت*، ۲۶(۲۳۳)، ۷۳-۸۷.
- جوان جعفری، عبدالرضا؛ ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۰). از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین (ارزیابی اندیشه سزاگرایی). *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری* (۲)، ۱۱۹-۱۴۸.
- خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۲). پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، (۳۰ و ۳۱)، ۵۵-۷۳.
- شاه جهان‌پور، سعید (۱۳۹۶). نقش فرهنگ در پیشگیری از جرم. *فصلنامه قانون‌یار*، ۱۴، ۶۱-۷۲.
- عشایری، طاهار؛ نامیان، فاطمه (۱۳۹۸). فراتحلیل عوامل مؤثر بر پیشگیری از وقوع جرم. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، ۱۴(۱)، ۳۳-۵۴.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ صفرزاده، حسین (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*. بی‌جا: پیام پویا.
- قاضی، حمید (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم و اقدامات تقنینی مرتبط. *فصلنامه نظارت و بازرسی*، ۲(۵)، ۱۴۲-۱۰۹.
- مارشال، کترین؛ راسمن، گرچن ب (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی، (علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، مترجمان). تهران: فراشناختی اندیشه.
- محمودی، ژاله (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی ارتکاب جرم در بین نوجوانان و راهکارهای پیشگیری از آن در جامعه. *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار*، ۱(۳)، ۱۳۷-۱۵۹.
- مومنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. *فصلنامه انداز‌گیری تربیتی*، ۴(۱۴)، ۱۸۷-۲۲۲.

- میل، جان استوارت (۱۳۷۹). *انقیاد زنان*. (علاء‌الدین طباطبایی، مترجم). تهران: هرمس.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۵). *رساله درباره آزادی*. (جواد شیخ‌الاسلامی، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۸). *فایده‌گرایی*. (مرتضی مردیها، مترجم). تهران: نشر نی.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۹). *تأملاتی در حکومت/انتخابی*. (علی رامین، مترجم). تهران: نشر نی.
- Arneson, R. J. (1980). Mill versus Paternalism. *Ethics*, 90, 470-489. Paris: The University of Chicago Press.
- George, I. N.; Ukpong, D. E. (2013). Contemporary Social Problems in Nigeria and its Impact on National Development: Implication for Guidance and Counselling Services. *Journal of Educational and Social Research*, 3(2), 167-173.
- Gaus, G. F. (1980). Mill's theory of moral rules. *Australasian Journal of Philosophy*, 58(3), 265-279.
- Green, D. G.; Grove, E.; Martin, N. A. (2005). *Crime And Civil Society; Can We Become A More Law-Abiding People?*. London: The Institute for the Study of Civil Society.
- Howell, J. C. (2009). Preventing and Reducing Juvenile Delinquency. India: Sage.
- Koepke, A. W. (1993). *Meta-Analysis: Educational Strategies to Promote Value Development*. (Doctoral dissertation). University of Indiana.
- Macleod, C. (2017). *John Stuart Mill*. In E. N. Zalta (Ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Metaphysics Research Lab, Stanford University. Available at: <https://plato.stanford.edu/archives/spr2017/entries/mill/>.
- Macleod, C.; Miller, D. E. (2016). *A Companion to Mill*. Hoboken: Wiley-Blackwell.
- Mill, J. S. (1911). *A System of Logic: Ratiocinative and Inductive*. London: Longman.
- Mayring, Ph. (2001). *Qualitative content analysis- reaserch instrument bingen*. Available at: [http://www.unidue.de/](http://www.unidue.de/http://www.unidue.de/ http://www.unidue.de/ http://www.unidue.de/ http://www.unidue.de/) [online] or Mode of Interpretation? Qualitative psychologic/twsd1/Mayringen.htm
- Mill, J. S. (1971). *Nature*. In M. Lerner (Ed.), *Essential Works of J. S. Mill*. New York: Bantham Books.
- Mill, J. S. (2001). *On Liberty*. Kitchener: Batoche Books.
- Mill, J. S. (2009). *Autobiography of John Stuart Mill*. Auckland: The Floating Press.
- Miller, D. E. (2014). *The Oxford Handbook of British Philosophy in the Nineteenth Century*. Online Version.
- Ottuh, j. A.; Okoro, A. O.; Ayetin, N. E. (2015). The Role of the Nigerian Church Pastor in National Transformation: An Expose. *IJHSSE*, 2(3), 10-17.
- Özgür, M. E. (2009). John Stuart Mill on Justice in Property. *Journal Article published in Ankara Üniversitesi SBF Dergisi*, 64(3), 149-165.
- Roberts, R. C.; Wood, W. J. (2007). *Intellectual Virtues: An Essay in Regulative Epistemology*, Oxford: Oxford University Press.
- Ryan, A. (2014). Mill, John Stuart (1806-1873). In M. T. Gibbons (Ed.), *The Encyclopedia of Political Thought*. New York: John Wiley & Sons.
- Sastry, T. S. N. (2011). *Introduction to Human Rights and Duties*. Ganeshkhind: University of Pune.

- Swan, K. (2017). Legal Punishment of Immorality: Once more into the breach. *Philosophical Studies*, 174(4), 983-1000.
- Thi Xiem, N. (2018). John Stuart Mills Liberal thought on Education and the Dissemination of Education in Enforcing the Right of Liberty. *American Journal of Educational Research*, 6(5), 570-577.
- United Nations Office on Drugs and Crime. (2004). *Promoting the Prevention of Crime; Guidelines and Selected Projects*. Available at: [www.un.org/English](http://www.un.org/English).
- Varouxakis, G.; Kelly, p. (2010). John Stuart Mill's thought and Influence: The saint of rationalism. New York: Routledge.
- Veltman, A.; Piper, M. (2014). *Autonomy, Oppression, and Gender*. Oxford: Oxford University Press.
- Westlund, A. (2009). Rethinking Relational Autonomy. *Hypatia*, 24(4), 26-49.
- White, J. E. (2005). *Contemporary Moral problems*. United States: Holly J. Allen.
- Wright, D. E. (2014). John Stuart Mills Sanction Utilitarianism: A Philosophical and Historical Interpretation. (Doctoral dissertation). University of Texas A & M.
- Zagzebski, L. (2013). Intellectual Autonomy. *Philosophical Issues: Epistemic Agency*, 23, 244-261.